

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • شماره: ۸۸۹۲۵۴۶۷ • تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز • تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم

شترت

پنجشنبه ۱۰ آبان ۱۴۰۳ • ۲۷ ربیع‌الثانی ۱۴۴۶ • ۳۱ اکتبر ۲۰۲۴ • سال بیست‌ویکم • شماره ۴۹۶۳ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۱:۴۸ • اذان مغرب ۱۷:۰۲ • اذان صبح فردا ۵:۰۲ • طلوع آفتاب ۶:۲۷



روستای بیره از توابع بخش مرکزی شهرستان داورزن، غربی‌ترین نقطه استان خراسان رضوی با ۳۰ کارگاه فلفل‌کوبی فعال به عنوان قطب فلفل کشور شناخته شده است. فلفل فرمز یکی از محصولات انحصاری بیره است. این روستا یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان فلفل کشور است. عکس: محمد حشمتی، میزان

www.sharghdaily.com
aparat:tasvirshargh
Telegram:SharghDaily
youtube:sharghdaily
twitter:sharghdaily
instagram:sharghdaily1

وقتی با شماره موبایل رند تمایز هم می‌خرند



پویانعمت‌اللهی

روزنامه‌نگار

با خرید آن، تمایز مزبور را برقرار می‌کند. تاکید بورديو، نوعی رقابت طبقاتی به شکل یک مبارزه نمادین است. باید نوعی قدرت نمادین پدید بیاید تااعلان اجتماعی بتوانند ذائقه‌های خود را در تقابل با دیگران قرار داده و تمایز مشخصی را بین خود و دیگران ایجاد کنند. به تعبیر او، نوعی مبارزه بر سر طبقه‌بندی حاکم می‌شود.

وقتی بورديو می‌گوید افراد بر حسب موقعیت اجتماعی خود اقدام به اعمال سلیقه می‌کنند، درواقع می‌خواهد بگوید که هر طبقه با تلاش برای شکل‌دادن و عیان‌کردن سلیقه‌اش، می‌خواهد تمایزات طبقه‌ای خود را نشان دهد.

مفهوم تمایز به معنی مجموعه تفاوت‌هایی است که در رفتارها و سبک‌های زندگی افراد جامعه به دلیل موقعیت‌های متفاوت‌شان از لحاظ سرمایه و قرار گرفتن‌شان در میدان‌های اجتماعی گوناگون ظاهر می‌شود. عادت‌های فرد و همه آنچه سلیقه فرهنگی یا ذائقه غذایی و نظایر آن نامیده می‌شود، رابطه مستقیم و اثبات‌پذیر با وضعیت و موقعیت اجتماعی او دارد.

بورديو معتقد است طبقه فرادست در تقابل با طبقه فرودست، از طریق برقراری حس تمایز در مرتبه‌ای نمادین ظاهر شده و تجلی فاصله‌ی داشته به شکل انحصار دیرینه بر کالاهای فرهنگی کمیاب است. در اینجا شماره رند موبایل، به دلیل قیمت بسیار بالای آن هرگز نمی‌تواند در اختیار طبقات پایین‌تر قرار گیرد.

شماره رند هیچ مزیتی به لحاظ فنی و تخصصی ندارد. برای یک گوشی موبایل هیچ فرقی ندارد که سیم‌کارت داخل آن چه شماره‌ای داشته باشد. اما طبقه فرادست برای ایجاد تمایز مد نظر خود، قیمت این شماره رند را به حدی در مزایده بالا برده که کمتر کسی توان خرید آن را داشته و سپس خودش

در جریان مزایده شماره‌های رُند موبایل، یکی از شماره‌ها در ساعات پایانی حراج پیشنهاد بالای ۱۰۹ میلیارد تومانی داشته که در روزهای بعد به حدود ۲۰۲ میلیارد تومان رسید و نهایتاً با ۳۰۱ میلیارد تومان فروخته شد.

شماره‌های به‌اصطلاح رند این ویژگی را دارند که در ذهن به‌راحتی نقش می‌بندند و طبعاً مقبولیت بیشتر و قیمت بالاتری دارند. اکنون در دوران موبایل، به‌راحتی همه شماره‌ها را به حافظه گوشی سپرده و هنگام نیاز بازخوانی می‌کنیم.

وقتی که نیاز چندانی به حفظ شماره‌های موبایل نداریم، چرا باید قیمت یک شماره خوش‌خوان به مرز بالای سه میلیارد تومان برسد؟ این موضوع را چگونه می‌توان توضیح داد؟ در عرصه جامعه‌شناسی معاصر قطعاً پی‌یر بورديو (فیلسوف و جامعه‌شناس برجسته فرانسوی متوفی به سال ۲۰۰۲) یکی از برجسته‌ترین نام‌هاست.

مطالعات او منجر به تولید نظریه‌ها و مفاهیم عمیقی شده که از آن جمله می‌توان به نظریه میدان، مفاهیمی مانند عادت‌واره (هابیتوس) و سرمایه و همچنین نظریه تمایز اشاره کرد.

بسته های جادویی کتاب حامی



سه، پنج، ده

تکنیک جادویی کتاب حامی است!

انجمن حامی در کنار شماست، تا با غم‌ها و شادی‌هایتان یک اثر جاودانه خلق کنید!

برای دریافت اطلاعات بیشتر با ما تماس بگیرید:

تلفن : ۰۲۱۸۸۱۴۱۶۴۹ (داخلی ۱۱۰ کارگروه کتابخانه)

من یک حامی هستم

hamiassociation.org

@hami_association

Tel:۰۲۱-۸۸۱۴۱۶۴۹

۰۲۱-۸۸۸۴۳۸۹۷

انجمن حامی حمایت از توسعه فضاهای آموزشی و فرهنگی



انتخابات‌خوانی

ناگهان زباله!

شاید قرار بود فقط یک «شوخی بد» باشد؛ مثل تمام توهین‌هایی که در این مدت از ترامپ و طرفدارانش در کرده‌هایی‌ها منتشر شده است. اما شوخی یک کم‌دین در یک گروه‌مایی انتخاباتی دونالد ترامپ در نیویورک، درباره پورتوریکو بسیاری را رنجیده کرد. این کم‌دین پیش از این به یهودیان، فلسطینی‌ها، سیاه‌پوستان و لاتین‌تبارها توهین کرده بود. او از پورتوریکو به عنوان «جزیره‌ای شناور بر زباله» یاد کرد. این شوخی ناگهان خاطره رفتار توهین‌آمیز ترامپ را در چند سال پیش با مردم طوفان‌زده این جزیره، زنده کرد.

پس از توهین: جنیفر لویزر، ریکی مارتینس و لین مانول میراندا، از جمله کسانی بودند که به این شوخی اعتراض کردند و ویدئوی تحقیرآمیز چند سال قبل ترامپ را دوباره یادآوری کردند. ترامپ در دوران ریاست‌جمهوری وقتی برای دیدار و کمک به این جزیره طوفان‌زده رفته بود با تحقیر دستمال تواله پرتاب کرد. در طوفان‌های ماریا و ایرما در سال ۲۰۱۷ بخش‌های زیادی از پورتوریکو ویران شد و منجر به کشته‌شدن بیش از سه هزار نفر شد.

لویز و دیگران وارد می‌شوند: پس از ایسن توهین، برخی چهره‌ها حمایت خود را از «هریس» علنی کردند؛ به طوری که قرار است امروز «جنیفر لویزر» برای کمک به هریس، سخنرانی کند. او ویدئویی در حمایت از هریس را برای ۲۵۰ میلیون دنبال‌کننده‌اش منتشر کرده است. «ریکی مارتین» نیز ویدئویی از نظرات کم‌دین توهین‌کننده را به اشتراک گذاشت و به زبان اسپانیایی برای ۱۸۰۵ میلیون دنبال‌کننده اینستاگرام خود نوشت: «این چیزی است که آنها درمورد ما فکر می‌کنند. به کاملاً رای دهید». یکی دیگر از چهره‌ها پستی را منتشر کرد و جزئیات دیگری از «بی‌احترامی و نژادپرستی» را که از سوی دولت ترامپ در طول آن چهار سال احساس کرده، از جمله در پاسخ درخواست کمک برای مردم طوفان‌زده منتشر کرده است. یکی دیگر

با اشاره به توهین کم‌دین نوشت: «من روزهای پس از باطن‌درد دارم. زمانی که رئیس‌جمهور سابق، ترامپ، با ما مانند زباله رفتار می‌کرد و هنگامی که به دلیل بی‌عملی‌اش مورد انتقاد قرار می‌گرفت، مردم ما را تبیل خطاب کرد». آنان معتقدند «این شوخی خنده‌دار نیست، این کلمات و نگاه، دلخراش و بسیار ناراحت‌کننده است». دیگری نوشت: «شاید از نظر عده‌ای فقط یک شوخی بد باشد، اما برای بسیاری دیگر یادآوری رفتاری است که ترامپ با ما داشت و اینکه وقتی به او نیاز داشتیم به ما خیانت کرد. امیدوارم دیگر نخواهیم به عقب برگردیم».

توهین رای‌آور: پس از این توهین، این کم‌دین در حساب خود نوشت: «این فقط یک شوخی بود، من پورتوریکوپی‌ها را دوست دارم. عده‌ای حس طنز ندارند». ستاد ترامپ نیز اعلام کرد این شوخی با نظرات ترامپ هماهنگی ندارد. حالا قرار است در گروه‌مایی بعدی ترامپ در پنسیلوانیا سخنرانان لاتین‌تبار و حامیان پورتوریکوپی، برای رفع و رجوع این بحران وارد میدان شوند. اما این شوخی اگر جبران نشود، باعث می‌شود رای لاتین‌تبارها در برخی ایالت‌ها همچون پنسیلوانیا، کارولینای شمالی و فلوریدا ... برای ترامپ دردسر ایجاد کند. از سویی شاید این توهین تغییر بزرگی در رای لاتین‌تبارها به وجود آورد و به نامزد دموکرات‌ها کمک کند؛ چراکه «هریس» نتوانسته مانند «بایدن» نظر آنها را جلب کند. البته او نمی‌تواند چندان امیدوار باشد و جبران این نقصان به این سادگی ممکن نیست.

باز هم زباله: اما فقط هوادار جمهوری‌خواه نبود که با گفتن کلمه زباله باعث مشکل برای «ترامپ» شده است. بایدن در سخنرانی ویدئویی خود طرفداران ترامپ را «زباله» خوانده بود. کاخ سفید سعی کرد با بیان‌های حرف بایدن را اصلاح کند و بگوید منظور او همه طرفداران «ترامپ» نیست. اما سی‌ان‌ان در گزارش اعلام کرد که این کلمه «بایدن» ضرر بزرگی به کم‌دین هریس وارد کرده است.

براساس اعلام سازمان ملی سنچش، تاکنون بیش از ۱۱۲ هزار داوطلب در آزمون ورودی مقطع دکتری نیمه متمرکز سال ۱۴۰۴ ثبت‌نام کرده‌اند. پذیرش دانشجوی در این مقطع به دو صورت سنچش علمی (آزمون متمرکز) و مصاحبه علمی و سنچش عملی و ارزیابی سوابق آموزشی، پژوهشی و فناوری برگزار می‌شود.

شاهنامه‌خوانی

نبرد گفتاری

رستم و اسفندیار (۲)



مهدی افشار

شاهنامه‌پژوه

اسفندیار بخندید و با نرم‌خونی کوشید رستم خشمگین را آرام کرداند: «از اینکه کس در پی تو نفرستادم، آزرده گشته‌ای؟ هوا سخت گرم است و نخواستم تو را رنجه گردانم، پس تندی مکن و با خود گفتم دگر روز، یگاهان به دیدار دستان شادمان خواهم رفت. اکنون آرام بنشین و جام برگیر و از تندی و تیزی دنگر یاد مکن». اسفندیار برای رستم جایی در سمت چپ خویش آماده گرداند، رستم در برابر کوچک‌انکاری اسفندیار گفت که نشستن در سمت چپ نه جایگاه اوست و افزود در جایی می‌نشیند که باید. و اسفندیار به ناگزیر بهمین را گفت نشستگهی را در سمت راست بیاری که شایسته و سزاوار رستم باشد و چون در جایگاه خویش به خشم نشست، به اسفندیار گفت: «تو هنر و گوهر مرا بنگر که از پشت سام نریمان هستم و آن‌که مردی و شکوه و مردانگی دارد، آئین پهلوانی را گرامی می‌دارد و دلی برخرد و سری برز داد دارد». شاهزاده فرمان داد کرسی زرین در پیش رستم جای دهند تا رستم در کنار شهربار جوان بنشیند. رستم با خشم بر آن کرسی بلندجای با ترنجی خوش‌بوی در دست نشست. آن‌گاه اسفندیار کوشید رستم را برنجاند و با زبانی تلخ گفت: «از خردمندان شنیدم‌ام و موبدان نیز یادآور شده‌اند که زال، دیوزاد و بدگوهر بوده و نژاد والایی نمی‌داشته و به همین روی چون به دنیا آمده، او را از سام پنهان داشته بودند. گفته‌اند تنش بدبوی و رویش سپید بوده و چون سام او را می‌بیند، از او ناامید می‌شود و فرمان می‌دهد او را به دریا افکند تا خوراک مرغان و ماهیان شود و سرانجام او را در پای کوه نهند. سیمرغ او را در کنار خویش برد و خواستد فروش گرداند و با آنکه سیمرغ گرسنه بود، تن زال را خوار دانست و او را در گوشه‌ای از کنار خود افکند و از دیدار او هیچ‌کس خشنود نبود.

زال به ناگزیر مردار خورد و با بی‌جامگی و برهنگی پرورده و بالیده شد و سرانجام آن‌گاه که مهر زال از دل سیمرغ بیرون شد، او را برهنه سوی سیستان فرستاد و سام از روی بی‌فرزندی او را پذیرفت. در برابر نیای تو، پدران من همه از بزرگان و شاهان بوده‌اند و همه نیک خواهان من. رستم در پاسخ گفت: «ای جوان آرام گیر و سخن از سر داد و خرد بگو، این سخن‌های ناسنجیده چیست که می‌گوینی؟ دلی سیاه داری و گویا روان تو را دیوان پرورش داده‌اند، چنان سخن بگو که سزاوار پادشاهان است و پادشاه جز سخن راست نگوید. جهاندار داند که سام دستان مردی بزرگ و با دانش و نیکنام بود و سام، پیور نریمان و نریمان خود از همه گشاده‌دستان برتر و از پشت گرشاسب بوده که از خسروان تاجدار است و اگر آوازه سام را شنیده باشی، کسی چون او نیکنام نبوده و سام همان پهلوانی است که در توس اژدها را بکشت و در دریا نهنگ و در دشت بلنگ از چنگ او رهایی نیافت و مادرم دخت مهرباب بود که سرزمین هند بدو می‌باید و ضحاک پنجمین پدر رودابه در میان شاهان کیتی سر برآورده بود. از این نامورتر چه کسی نژاد دارد و هیچ خردمندی از سخن راست روی نمی‌پیچد. در همه جهان ییلان از من پهلوانی آموخته‌اند و در روزگاران کی‌کاووس و سپس کی‌قباد و فراتر از همه در روزگار کیخسروی دادگر در نگهداشت ایران، بسی شاه بیدادگر کشته‌ام و چون از جیحون گذر کردم، افراسیاب از بیم به چین گریخت. در جنگ هاماوران در روزگار کاووس به‌تنهایی به ما زدنران [گویا هندوستان] رفتم و نه ارزنگ را به جای گذاشتم و نه دیو سپید را و از تیغ من نه سنجه، نه اولاد غندی و نه بید به جای ماند. برای رهایی ایران از کشتن فرزند دریغ نکردم، فرزندی که دلیر و خردمند بود و به راستی جهان پهلوانی چون او به زور و به مردی و رزم‌آزمدگی به خود ندیده بود. اکنون یانصد سال است که پای به هستی گذارده‌ام و همه این سال‌ها پهلوان کیتی بوده‌ام و همانند فریدون فرخ‌نژاد که تاج بزرگی به سر برنهاد و ضحاک را از تخت بیداد فروکشید و سر و تاج او را به خاک مالید، همه پیدا و نهان من یکی است و از دیگرسوی چون کمر بریستم، تاجداران در ایران همه در سایه شمشیر و گرز گران من به آسودگی رسیدند». آن‌گاه رستم افزود: «اینها همه بگفتم تا بدانسی در این زمانه، نورسیده هستی و اگرچه نژاد از خسروان داری، تنها خویش را می‌بینی و از کارهای نهان آگاه نیستی. اکنون بسیار سخن گفتیم، بخوریم و آندوه از دل بدیاییم.»